

## بسم الله الرحمن الرحيم

### شرح خطبه فدکیه - جلسه دهم

دستگاه خلافت در مواجهه با ادعای حضرت زهرا سلام الله علیها دو رویکرد داشت، رویکرد اول نفی توارث و اقامه شهود و شهود را از لحاظ کمیت و اوصاف رد کردند؛ یعنی این که شهود باید عدلین باشند و ذی نفع نباشند. در پاسخ به ۸ وجه پاسخ داده شد، در وجه هشتم اشاره شد که این کار لوازمی دارد و آن اتهام به حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت علی علیه السلام بود که این دو شخصیت بی نظیر که در اوج افق انسانیت هستند قصد ظلم به مسلمانان داشته باشند و مطالبه شاهد از آن ها ظلم بزرگی به ایشان بود. خوارزمی در کتاب خود به این موضوع پاسخ داد که پیغمبری و عصمت جای خود و اقامه شهود جای خود که این پاسخ نفی کل دین است. در این جا شبهه ای وجود دارد که از عظمت شخصیت و از جلوات حضرت امیرالمومنین علیه السلام نقل شده که وقتی حضرت زره خود را در دست یک یهودی دیدند فرمودند: «زره مال من است.» یهودی قبول نکرد و حضرت فرمودند: «باید نزد قاضی برویم.» حضرت علی علیه السلام در محکمه شاهد نداشتند و قاضی به نفع یهودی حکم کرد و شایعه شده که یهودی وقتی این صحنه و علو مقام امام را دید، مسلمان شد. گفته شده: مگر امام علی علیه السلام امام مسلمانان و خلیفه مسلمین نبودند؟ پس چرا در اینجا شاهد خواسته شده؟ مگر در این جا درخواست شهود به منزله اتهام به ایشان نبوده است؟ پس چه پیغمبر و چه هر فرد دیگری وقتی ادعایی دارند باید شهود بیاورند و به این قضیه استشهاد کردند. چطور

دست تحریف کنندگان اینقدر عالی مسئله ای را سر و صورت می دهد و حتی بزرگان ما وارد این فضا می شوند.

بررسی این گزارش:

این گزارش دو منبع دارد: منبع اول: سنی؛ دو گزارش گزارش اول، امام اقامه شهود نکردند. گزارش دوم، امام اقامه شهود کردند. کنزالعمال، متقی هندی

منبع دوم: شیعه، دو گزارش تقریبا واحد گزارش اول، کافی، ثقه الاسلام کلینی گزارش

دوم، من لایحضره الفقیه شیخ صدوق گزارش اول مربوط به منابع سنی: ۵ منبع ۱،

کتاب الغارات ثقفی جلد یک صفحه ۱۱۴: کتاب تاریخی است که قضایای بعد از جنگ

صفین و غارت هایی که انجام شد در آن نوشته شده، نویسنده: ابراهیم ابن محمدابن

هلال ثقفی که شیعه بوده؛ ولی از قول اهل سنت نقل کرده است. فردی کوفی بوده و

بعد به اصفهان رفته. اول زیدی و بعد شیعه شده. ۲، سنن کبرای بیهقی، مشهور به

سنن شافعی: نویسنده: ابوبکر احمدابن بیهقی، محدث شافعی موضوع: فقه حدیثی جلد

۱۰ صفحه ۲۳۰ ۳، البدایع و النهایه: جلد ۸ صفحه ۴ نویسنده: ابوالفداء ابن کثیر

دمشقی، شاگرد ابن تیمیه؛ بنیان گذار جریان سلفی گری که به وهابیت ختم شد .

موضوع: تاریخ عمومی جهان از اول آفرینش و بخصوص تاریخ اسلام. گزارش دوم: حلیه

الاولیاء و تبعات الاسقیاء نویسنده: احمدابن عبدالله ابونعیم اصفهانی نقل شده شیعه

است ولی سنی است و قدیمی ترین کتاب در رد شیعه از اوست. کتاب الامامه و رد علی

الرافضه او خلفای سه گانه را بر حضرت علی مقدم می داند و شخصیت ثقفی و کتاب

الغارات را نفی کرد. بررسی گزارش ها: در گزارش اول دو محور وجود دارد: ۱، سند ۲،

متن ۱، سند: سند در حدود ۴ طبقه متحد است، از راوی چهارم اسماعیل ابن عوان که

شخصیتی مجهول است که از عمرابن شمر که جوفی بوده نقل شده و او راوی ضعیفی

است و گفته شده در کتابهای جابر جعل حدیث می کرده، راوی بعدی جابر که از اصحاب امام صادق علیه السلام و مورد تایید است و شخصیت بعدی ابوعمر، فقیه و محدث کوفی و کثیرالنقل و کثیرالحافظه بوده، خودش گفته هیچ حدیثی را نقل نکردم مگر این که حفظ کردم. عامل زبیر بوده و از ترس مختار به مدینه رفت، در زمان عبدالملک مروان شان قضاوت پیدا کرد. از طرفی علما نگاه منفی به او دارند، شیخ مفید او را شراب خوار و قمارباز می داند و ابوحنیفه روایتی از قول او نوشته بود، وقتی فهمید اهل فسق و فجور است، تمام روایت او را از بین برد. آیت الله خوئی او را آدم خبیث و فاجر و دروغگو می داند که علنا با حضرت علی دشمنی داشت. راوی چنین شخصیتی است .

متن: متن اصلی از کتاب الغارات است و اختلافات بیان می شود. شعبی نقل می کند حضرت علی علیه السلام زره خود را گم کرده بودند و آن را نزد یک نصرانی پیدا کردند و او را به محکمه نزد شریح قاضی بردند. سنن: شریح قاضی حضرت بود. شریح بلند شد که جای خود را به حضرت بدهد ولی ایشان قبول نکردند و کنار شریح نشستند. سنن: حضرت جای شریح نشستند و شریح کنار نصرانی نشست. فرمودند: «اگر طرف دعوای من یک مسلمان بود کنار او می نشستم اما الان کنار اهل کتاب نمی نشینم؛ چون پیامبر فرمودند: به اهل ذمه و اهل کتاب سلام نکنید، به آن ها دست ندهید، به عیادت بیمارانشان نروید، بر جنازه های آن ها حاضر نشوید و آن ها را در کوچه ها در تنگنا قرار دهید. آن ها را خوار کنید همچنان که خدا آن ها را خوار کرده است ولی به آن ها ستم نکنید.» حضرت دلیل ننشستن کنار او را خوار کردن او بیان فرمودند؛ سپس حضرت فرمودند: «این زره مال من است و نه آن را فروختم و نه هبه دادم. نصرانی گفت: زره مال من است؛ ولی شما را تکذیب نمی کنم. ( اشاره به ماجرای فدک) شریح گفت: یا امیرالمومنین، شاهد بیاورید( قاعده ید) حضرت فرمودند شاهد ندارم بدایه: در این لحظه حضرت خندیدند و فرمودند شریح حرف حقی می زند ولی من شاهد و بینه

ندارم. در این جا قاضی باید به نفع منکر حکم کند (قاعده مدعی و منکر) یعنی به نفع نصرانی حکم کرد. نصرانی قدری راه رفت و برگشت و گفت: این محکمه متعلق به پیامبران است. خلیفه مسلمین ادعایی داشت و بدون قهر و غلبه با من به محکمه آمد و قاضی که خودش نصب کرده بود بر علیه او حکم داد. این حکم، حکم پیامبران است سپس شهادتین را گفت و مسلمان شد و گفت: این زره متعلق به شماست. در جنگ صفین من در تعقیب شما بودم، این زره از مرکب شما افتاد و من آن را سرقت کردم، حضرت فرمودند: «حالا که اسلام آورده ای بخشیدم.» و او را بر اسب عتیق نشانندند. شعبی: کسی خبر داد که این فرد در جنگ نهروان در کنار امام با خوارج جنگید. سنن کبری: حضرت بعد از اینکه او را بخشیدند، دو هزار درهم به او دادند و در جنگ صفین در کنار حضرت جنگید و به شهادت رسید. تحلیل متن: اول سند شخصیت مجهولی مثل اسماعیل عوان و شخصیت ضعیفی مثل عمرابن شمر و شعبی با آن خصومتی که با امام داشت، چطور ممکن است فضائل امام را بیان کند؟ آیا او قصد بیاند عدالت امام را داشته؟ دوم: این مورد برای حضرت قبیح و سخیف نیست که با آن همه زهد و تقوا بر سر یک زره که مدت ها پیش گم شده و الان دست یک نصرانی دیده اند وارد دعا شوند؟ سوم: این قضیه موضوع فدک را توجیه نمی کند؟ این که به ذهن برسد حضرت علی علیه السلام که اینقدر در مسائل مالی سخت گیر هستند که بخاطر یک زره به محکمه می روند و پرونده تشکیل می دهند، آیا برای فدک جنجال راه نمی اندازند؟ فدک یک رمز و سمبل است. چهارم: متن و گزارشات دارای آشفتگی است. نصرانی می گوید: من در صفین بودم و برای دزدی رفته بود. در متن دیگر آمده در صفین کنار حضرت بود و شهید شد. در متن دیگر شعبی می گوید: در نهروان کنار حضرت با خوارج می جنگیده. اختلاف متون در مورد محل نشستن حضرت علی علیه السلام هم وجود داشته پنجم: کجا آمده که حضرات معصومین علیهم السلام با اهل کتاب این طور رفتار کنند و آن ها را خوار

کنند؟ در قرآن آمده: قولوا للناس حسنا؛ یعنی با آرامش با مردم سخن بگویید؛ نه فقط مسلمانان، بلکه همه مردم در جای دیگر آمده: بگو ای اهل کتاب، بیایید تا ببینیم مشترکات ما چیست؟ امام رضا علیه السلام با انواع فرق و نحله ها مناظره و بحث می کردند. کسی که این متن را ببیند، چقدر شخصیت امام نزد او کوچک می شود! در حالی که شخصیت اصلی حضرت علی علیه السلام این گونه است که در نامه ۵۳ نهج البلاغه که به عهدنامه مالک معروف است، خطاب به مالک اشتر می فرمایند: «ای مالک، قلبت را محیا کن و پر کن از رحمت و محبت و لطف به خلق الله، این طور نباشد که مثل حیوان درنده ای مردم را بدری و منفعت کسب کنی. مردم دو دسته هستند، یا برادر دینی تو و یا هم نوع تو هستند و نباید به آن ها تعدی کنی.»

اشکال اصلی: سوال: آیا امام وقتی نصرانی را به محکمه می بردند، نمی دانستند شاهد ندارند؟ آیا قاعده مدعی و منکر را نمی دانستند؟ آیا از اول نمی دانستند در این دعوا بازنده هستند؟ با این عظمت شخصیت، حکم را نمی دانستند ولی شریح قاضی حکم را می دانست؟ پس این ترافع و تخاصم و طرح ادعا چه معنایی دارد وقتی حکم را می دانستند؟ یعنی این نقل می خواهد تا این حد حضرت را پایین بیاورد که این حکم را نمی دانستند؟

شاید گفته شود: حضرت می دانستند؛ ولی می خواستند این جلسه تشکیل شود و حکمی داده شود و هدف ثانویه، هدف مقدسی بوده؛ یعنی برای هدایت یک فرد این کار انجام شده. این دلیل عذر بدتر از گناه است، اول این که حضرت عدالت نورزیدند و تظاهر به عدالت کردند و این کار لوازم فاسدی دارد. اگر چنین چیزی را در سیره ائمه علیهم السلام درست بدانیم، باعث فساد می شود. مثلاً گفته می شود: در ادعیه حضرات در اعلی علیین هستند و برای اینکه ما یاد بگیریم تضرع و ناله می کنند. این موضوع هم تظاهر به زهد است و تمام ارزش ها و فضائل در سیره اهل بیت علیهم السلام زیر سوال می

رود؛ مثل انفاق که تبدیل به تظاهر و ریاکاری می شود. این توجیه حتی برای تعالی و رشد جامعه مورد قبول نیست. دوم: هدف، وسیله را توجیه نمی کند و در اسلام پذیرفته نیست. سوم: تظاهر تا وقتی واقع نماست اثر دارد و از وقتی که معلوم شود تظاهر بوده اثر خود را از دست می دهد، مثلاً یهودی بعداً بشنود امام تظاهر کرده بودند، از امام و از دین نفرت پیدا نمی کند؟ در بحث ادعیه اگر حالت تضرع برای نشان دادن به ما باشد، بسیار سخیف است.

حوزه مجازی مهندس طلبه: [www.onlinehawzah.com](http://www.onlinehawzah.com)

شبکه‌های اجتماعی: [@onlinehawzah\\_com](https://www.instagram.com/onlinehawzah_com)

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم